

به نام خدا

ارزیابی تأثیر پاسخ‌گویی مسئولان بر مشارکت سیاسی مردم در انتخابات

فهرست مطالب

۱.....	چکیده
۲.....	اهمیت انتخابات ریاست جمهوری
۴.....	جمهوریت و انتخابات
۶.....	فرهنگ پاسخ‌گویی
۱۳.....	اقتضائات پاسخ‌گویی
۲۰.....	اخلاق سیاسی و پاسخ‌گویی مسئولان
۳۲.....	نتیجه‌گیری
۳۳.....	منابع و مأخذ



ارزیابی تأثیر پاسخ‌گویی مسئولان بر مشارکت سیاسی مردم در انتخابات

چکیده

در آستانه برگزاری انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری یکی از مسائلی که همواره ذهن مسئولان نظام جمهوری اسلامی ایران را به خود معطوف داشته است و علاوه بر آن ذهن اندیشمندان سیاسی نیز به آن عطف توجه دارد این است که چگونه می‌توان در جریان برگزاری انتخابات که یکی از نمادهای مهم مردم‌سالاری و جمهوریت یک نظام محسوب می‌شود مشارکت حداکثری ایجاد کرد. فاکتورها و عوامل بسیاری از سوی مسئولان و اندیشمندان در این باره ذکر شده است. این مقاله تلاش می‌کند تا عنصر «پاسخ‌گویی» نظام و مسئولان سیاسی به مطالبات و تقاضاهای اجتماعی مردم در تمامی سطوح سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را مورد بررسی قرار دهد، با این سؤال که پاسخ‌گویی چیست؟ و چه رابطه‌ای میان پاسخ‌گویی مسئولان و مشارکت حداکثری مردم وجود دارد؟ پیش فرض این مقاله بر تأثیرگذاری مستقیم پاسخ‌گو بودن مسئولان و مشارکت مردم در زندگی اجتماعی - سیاسی استوار است. در بخش‌های مختلف این مقاله جهت تبیین مفهوم پاسخ‌گویی به بسترهایی که مسئولان، متصدیان، حاکمان و مدیران جامعه را در قبال مردم نسبت به عملکردها و تصمیم‌گیری‌های خود پاسخ‌گو می‌کند اشاره می‌شود و در انتها به دو عامل قانون و اخلاق جهت نهادینه شدن



پاسخ‌گویی مسئولان و تبدیل آن به فرهنگ عمومی تأکید گذاشته می‌شود. در بخش قوانین تأکید اصلی بر اصول قانون اساسی و در بخش اخلاق و سیاست تأکید روی اصول منشور اخلاقی انتخابات است.

اهمیت انتخابات ریاست جمهوری

در نظام جمهوری اسلامی ایران انتخابات متعددی صورت می‌گیرد و انتخابی بودن بسیاری از مناصب حکومتی به دلیل جمهوری بودن این ساختار سیاسی است. انتخابات مجلس شورای اسلامی، شوراهای شهر و روستا، مجلس خبرگان رهبری و ریاست جمهوری به صورت مستقیم توسط آرای عمومی صورت می‌گیرد. در ارزش‌سنجی انتخابات مذکور، انتخابات ریاست جمهوری در مقایسه با سایر انتخابات از اهمیت بیشتری برخوردار است. البته این اهمیت نافی اهمیت سایر انتخابات نیست بلکه ناشی از موقعیتی است که ریاست جمهوری و قوه مجریه در ساختار تصمیم‌گیری نظام سیاسی ایران برخوردار است. انتخابات مجلس شورای اسلامی هر چند اعضای آن طبق اصل ۸۴ قانون اساسی در برابر تمام ملت مسئول است و حق دارد در همه مسائل داخلی و خارجی کشور اظهار نظر کند و طبق اصل ۷۱ نمایندگان می‌توانند در عموم مسائل در حدود مقرر در قانون اساسی، قانون وضع کنند ولی فرایند انتخاب و عضویت آنان در مجلس قانون‌گذاری به صورت محدود در حوزه انتخابیه خاص صورت می‌گیرد و نمایندگان مجلس علاوه بر مسئولیت‌هایی که در قبال آحاد ملت دارند موظف به رسیدگی و اولویت دادن به مشکلات مردم حوزه انتخابیه خود نیز است. انتخابات شوراهای شهر



و روستا نیز از همین قاعده پیروی می‌کند. نمایندگان مردم در شوراهای شهر و روستا طبق اصل ۱۰۰ قانون اساسی موظف به رسیدگی نسبت به برنامه‌های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی و سایر امور رفاهی از طریق همکاری مردم هستند و حوزه فعالیت و اختیارات آنان نیز محدود به مقتضیات محلی است. مجلس خبرگان رهبری نیز هر چند دارای وظیفه سنگین و مهم انتخاب و نظارت بر عملکرد رهبری است، اما موضع کاری آنان، خاص و دارای شأن نظارتی است. اما ریاست جمهوری و ساختاری که تحت کنترل و اداره آن است به دلیل حوزه گسترده‌ای که تمامی ساحت‌های زندگی اجتماعی را دربرمی‌گیرد دارای نقش بسیار محوری و مهمی است. براساس اصل ۱۱۳ قانون اساسی، پس از مقام رهبری رئیس‌جمهور عالی‌ترین مقام رسمی کشور است و مسئولیت اجرای قانون اساسی و ریاست قوه مجریه را جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود، بر عهده دارد. اهمیت انتخابات ریاست جمهوری را می‌توان از بُعد هویت‌بخشی و ایجاد یکپارچگی و همبستگی ملی و عمومی مورد بررسی قرار داد. کارکرد ساختار قوه مجریه در تمامی سطوح ریاست جمهوری، هیئت وزیران و نظام اداری، اجرای قوانین و تدبیر امور جامعه است. این ساختار براساس تصمیماتی که جهت مدیریت جامعه اتخاذ می‌کند حیطه شمول آن تمامی شهروندان را دربرمی‌گیرد و تصمیمات آن دارای ابعاد گسترده‌ای در حوزه‌های سیاست داخلی و خارجی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی، تجاری و ... می‌شود. گستردگی نفوذ ساختار ریاست جمهوری و قوه مجریه سبب شده است هرگونه ارزش و هنجاری که در این ساختار شکل می‌گیرد در سطح وسیعی در جامعه به صورت مستقیم و غیرمستقیم گسترش یابد و تبدیل به فرهنگ عمومی شود. به همین



جهت نهادینه شدن «فرهنگ پاسخ‌گویی» در ساختار نظام سیاسی می‌تواند تبعات مثبت بسیاری در فرهنگ عموم داشته باشد.

جمهوریت و انتخابات

انتخابات و پاسخ‌گویی مسئولان نظام سیاسی مقولاتی هستند که آنها را باید در بستر اندیشه «جمهوری» مورد بررسی قرار داد. در یک تقسیم‌بندی جامعه‌شناختی و کلان، نظام‌های سیاسی به دو دسته کلی استبدادی و جمهوری تقسیم می‌شوند. نظام‌های استبدادی به نظام‌هایی اشاره دارد که مشروعیت خود را از درون ساخت اجتماع کسب نمی‌کند و به همین جهت هیچ مکانیسمی برای مشارکت و رقابت‌های سیاسی در درون جامعه فراهم نمی‌آورد. نحوه اعمال قدرت در این ساختار به صورت یکجانبه است و هرگونه مخالفتی در هر سطحی با خشونت پاسخ داده می‌شود. در مقابل، نظام‌های جمهوری مشروعیت خود را از درون جامعه و مردم اخذ می‌کنند و به همین جهت برای نیروها و گروه‌های اجتماعی مکانیسم‌هایی را تعبیه می‌کنند تا آنان بتوانند به صورت آزادانه به رقابت و مشارکت در حوزه سیاست بپردازند و ساخت سیاست نیز در مقابل نیازها و تقاضاهای جامعه دارای انعطاف است و مناصب حکومتی اولاً ماهیتی انتخابی دارند و ثانیاً حاکمان و نخبگان سیاسی به دلیل محدودیت زمان حکمرانی در چرخش مستمر هستند و این دو عامل، برای جامعه امکانی را فراهم می‌سازد تا از سویی جلوی استبدادی شدن ساخت قدرت سیاسی را بگیرد و از سوی دیگر مجالی را برای فعالیت‌های سیاسی جامعه اعم از به نقد کشیدن حاکمان، پاسخ‌طلبی از عملکردشان و درنهایت عزل آنان فراهم کند. در این دیدگاه، اصل، حق مردم در انتخاب و عزل کردن



حاکمان است. البته سؤالاتی به صورت تئوریک مطرح می‌شود مبنی بر اینکه التزام به قوانین اسلام در صورت جمهوری بودن ساخت سیاست چه وضعیتی می‌یابد؟ در پاسخ گفته می‌شود از آنجایی که قانون اساسی کشور برپایه اصل حق حاکمیت مردم استوار شده است و بر مبنای قاعده اکثریت عمل می‌کند و چون اکثریت مردم کشور مسلمان هستند اسلامی بودن در فرایند وضع و اجرای قوانین و مصوبات لحاظ شده است. در واقع قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر مبنای هر دو اصل جمهوریت و اسلامیت شکل گرفته است. به گونه‌ای که در اصل ۴ قانون اساسی آمده است که باید کلیه قوانین و مقررات بر اساس موازین اسلامی باشد و در اصل ۶ بر مدیریت جامعه با اتکا به آرای مردم تأکید شده و اصول ۱۹ و ۲۰ به حقوق و برخورداری آحاد ملت از تمامی حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی تأکید شده است و اصول ۲۳ و ۲۴ و ۲۶ ناظر به آزادی عقیده، نشریات و مطبوعات و تشکیل احزاب و گروه‌ها و اجتماعات و راهپیمایی‌ها به مثابه عناصر اصلی حکومت جمهوری پیش‌بینی شده است. در این ساخت ترکیبی که متأثر از کلام حضرت علی در نهج‌البلاغه در باب حقوق متقابل مردم و حاکمان است مردم دارای حق انتخاب هستند. آنان می‌توانند همه کارگزاران و اداره‌کنندگان جامعه را انتخاب کنند و مردم چنین حقی را به حاکمان واگذار می‌کنند تا مسئولیت نظارت، تنظیم و تصویب قوانین را در محدوده قانون و دستورالعمل‌های معین شده انجام دهند و از طرف دیگر وظایف متقابلی را پذیرا می‌شوند، حقوقی را از ناحیه حاکمان می‌پذیرند و حقوقی را از حاکمان طلب می‌کنند. تعمیق و گسترش فرهنگ پاسخ‌گویی میان مسئولان نظام سیاسی به‌عنوان یکی از ویژگی‌های حکومت‌های جمهوری باعث تحکیم پایه‌های جمهوریت نظام به‌عنوان شکل مطلوب اجرای قوانین اسلامی در دنیای مدرن می‌شود.



فرهنگ پاسخ‌گویی

رفتارهای آدمی دارای دو بُعد فردی و اجتماعی است. رفتارهای فردی به کلیه افعالی اشاره دارند که تبعات و نتایج آن متوجه خود فرد می‌باشد و دیگران در آن نتایج مشارکت ندارند. در مقابل، رفتارهای اجتماعی اشاره به افعالی دارد که نتایج آن شامل حال دیگران نیز می‌شود و این نتایج اعم از نتایج مثبت یا منفی است. رفتارهای اجتماعی حجم بسیاری از افعال آدمیان را دربرمی‌گیرد. بر اساس اندیشه اسلامی، انسان موجودی اجتماعی است که هویت خود را در اجتماع شکل می‌دهد. هر چند در ساختار اندیشه اسلامی اجتماع در هویت‌بخشی به شخصیت و شاکله آدمیان نقش مطلق ندارد و در کنار آن عوامل دیگری از جمله نقش اراده‌های فردی نیز مؤثر است اما جامعه، نقش محوری را در شکل‌گیری ساخت فکری و رفتاری افراد و اعضای خود فراهم می‌کند. هر ساخت اجتماعی به‌منظور حفظ انسجام خود ناگزیر از وضع قوانین از یکسو و درونی کردن ارزش‌های اخلاقی از سوی دیگر می‌باشد. «قوانین»، حداقل بایدها و نبایدهایی هستند که عدم رعایت آنان باعث از هم‌گسیختگی ساخت جامعه می‌شود. به همین منظور اجرایی شدن آنها با پشتوانه «قدرت سیاسی» صورت می‌گیرد. «ارزش‌ها» به مجموعه بایدها و نبایدهایی اطلاق می‌شود که بدون وجود ضمانت اجرایی در ذهنیت جامعه وجود دارند و رفتارهای اجتماعی را جهت‌دهی می‌کنند. این ارزش‌ها با توجه به معیارهای اخلاقی می‌تواند خوب یا بد باشند. ولی وجود آنان همواره در هر ساختاری به‌عنوان عاملی نامرئی در چگونگی رفتارهای اجتماعی و سیاسی مؤثر هستند. آنچه که اهمیت دارد این است که تصمیمات و قوانین



همیشه در بستر و چارچوب ارزش‌های پذیرفته و نهادینه شده اجتماعی اتخاذ و وضع می‌شوند. این دو جزء، یعنی ارزش‌ها و قوانین مجموعاً «فرهنگ» یک نظام اجتماعی را شکل می‌دهند. نظام‌های سیاسی علاوه بر اینکه خود در بستر این فرهنگ ایجاد می‌شوند اما به واسطه سلطه گسترده‌ای که نسبت به مناسبات اجتماعی دارند می‌توانند این فرهنگ موجود را راسخ‌تر کنند یا تغییر دهند. برای اینکه پاسخ‌گویی در قبال رفتارهای اجتماعی جزئی از فرهنگ عمومی جامعه شود باید پیش و بیش از هرچیز نظام سیاسی، حاکمان و مدیران جامعه در همه سطوح پاسخ‌گویی رفتارهای اجتماعی خود باشند. تأکیدی که در اندیشه‌های اسلامی برای الگومند بودن حاکمان و نظام سیاسی می‌شود از این جهت است که رفتارهای اجتماعی حاکمان سیاسی که در قالب تصمیمات، سیاست‌گذاری‌ها و قوانین بروز می‌کند بیش از رفتارهای اجتماعی افراد و گروه‌های جامعه دارای وسعت، عمق و تأثیرگذاری است. به همین جهت پاسخ‌گو بودن حاکمان سیاسی به صورت مستقیم نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری فرهنگ عمومی پاسخ‌گویی در جامعه دارد. ساختار قوه مجریه در قالب ریاست جمهوری، هیئت وزیران و نظام اداری در سطح کلان و استانداری‌ها، فرمانداری‌ها و بخش‌داری‌ها در سطح تقسیم‌بندی‌های کشوری به دلیل وسعت حوزه عملیاتی خود و گستره ارتباطی با مردم نقش مهم و تأثیرگذاری در شکل‌گیری این فرهنگ در لایه‌های مختلف جامعه دارد. در کنار عامل فوق که نقش الگوسازی نظام سیاسی در ایجاد فرهنگ پاسخ‌گویی را مطرح می‌سازد می‌توان به اهمیت و تأثیر پاسخ‌گو بودن حاکمان نسبت به مردم در تعمیق مقبولیت نظام سیاسی نیز اشاره کرد. پاسخ‌گو بودن حاکمان در تمامی سطوح مدیریتی از سویی باعث افزایش ارتباطات متقابل میان جامعه و حکومت می‌شود و هم



جامعه نسبت به امکانات و محدودیت‌های حکومت واقف می‌گردد و تلاش می‌کند تقاضاهای خود را با آن امکانات و محدودیت‌ها هماهنگ سازد و هم حاکمان به صورت مستمر با تقاضاها و نیازهای اجتماعی مواجه می‌شوند و تلاش می‌نمایند قبل از اینکه این تقاضاها و نیازها تبدیل به یک نیروی فشاری فوق توانمندی‌های نظام شود به آنها پاسخی مناسب دهد. در واقع پاسخ‌گو بودن نظام سیاسی به معنای رفع نیازهای اجتماعی در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است. پایبندی نظام سیاسی به فرهنگ پاسخ‌گویی اولاً باعث افزایش مشروعیت و مقبولیت نظام سیاسی می‌شود. معیار سنجش افزایش مقبولیت نظام، میزان تبعیت جامعه از قوانین و تصمیماتی است که توسط نظام سیاسی اتخاذ می‌گردد. بر این اساس افزایش تبعیت جامعه از قوانین، رابطه مستقیمی با افزایش مشروعیت و مقبولیت نظام دارد. ثانیاً به دنبال افزایش مشروعیت نظام سیاسی، مشارکت خودجوش و آگاهانه مردم نیز افزایش می‌یابد. این دو عامل در کنار یکدیگر یعنی مشروعیت و مشارکت نظام سیاسی، از عواملی هستند که هزینه‌های مدیریتی جامعه را کاهش می‌دهد، زیرا نظام سیاسی جهت اجرایی کردن قوانین خود به ابزارها و نیروهایی همچون پلیس، نیروی انتظامی، نیروهای اطلاعاتی و امنیتی کمتر متوسل می‌شود و این ناشی از نهادینه شدن ارزش‌ها و هنجارهای نظام سیاسی در جامعه است.

یکی از سؤالاتی که ذهن اندیشمندان را در برگزاری انتخابات به خود مشغول می‌دارد این است که نفس وجود انتخابات چه اهدافی را دنبال می‌کند؟ پاسخ این سؤال ارتباط مستقیمی با هدفی که این مقاله تعقیب می‌کند دارد، زیرا اگر هدف برگزاری انتخابات تبیین نشود حضور و مشارکت مردم در پای صندوق‌های رأی ماهیت



آگاهانه بودن خود را از دست می‌دهد و با تکیه بر دلایل عقلی و شواهد تاریخی هر آنچه که در جامعه بر پایه جهل و ناآگاهی شکل بگیرد تداوم نخواهد داشت. امروزه یکی از ویژگی‌های سازمان‌های پویا، متحرک و تأثیرگذار در ساخت جامعه، سازمان‌هایی هستند که در کنار سایر عوامل و حتی برتر از آن بر پایه عنصر آگاهی سامان یافته باشند. احزاب سیاسی، اتحادیه‌ها، اصناف، انجمن‌ها، گروه‌های جامعه مدنی و ... همگی زمانی می‌توانند در حیات سیاسی منشأ اثری باشند که عالمانه و آگاهانه شکل گرفته باشند. انتخابات نیز از این قاعده مستثنا نیست. دو هدف عمده را می‌توان برای برگزاری انتخابات برشمرد: افزایش مشارکت خودجوش و آگاهانه مردم در زندگی اجتماعی - سیاسی و افزایش قابلیت نظام برای پاسخ‌گویی به نیازهای اجتماعی مردم در تمامی سطوح سیاسی، اقتصادی و فرهنگی.

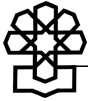
همان‌طور که گفته شد برگزاری انتخابات، باعث مشارکت مردم در زندگی اجتماعی - سیاسی و انتخاب نمایندگان خود جهت تصدیگری پست‌های مدیریتی جامعه می‌شود. افزایش مشارکت سیاسی مردم به عوامل بسیاری بستگی دارد که مهم‌ترین آنها شامل انتخابی بودن ساختار نظام سیاسی، وجود گردش نخبگان، محدود بودن زمان حکمرانی حاکمان، وجود تعدد گزینه‌های انتخابی برای مردم، رقابتی بودن فضای انتخابات، مسالمت‌آمیز بودن رقابت‌های انتخاباتی، سالم بودن پروسه انتخابات و از همه مهم‌تر پاسخ‌گو بودن منتخبین مردم نسبت به نیازها و تقاضاهای اجتماعی است. این عوامل به‌خصوص عامل آخر باعث مؤثر بودن انتخابات مردم می‌شود. در واقع افزایش مشارکت مردم در حیات سیاسی و در جریان انتخابات ارتباط مستقیمی با میزان تأثیرگذار بودن حضور و انتخاب آنان دارد. تبلور



مؤثر بودن حضور و انتخاب مردم «پاسخ‌گو بودن» مسئولان در قبال رفتارها، تصمیمات و قوانینی است که وضع می‌کنند و متعاقب آن زندگی اجتماعی مردم را متأثر می‌سازند. به میزانی که مسئولان خود را در قبال قوانین و اجرای آنها پاسخ‌گو بدانند و افکار عمومی را نسبت به چرایی وضع این قوانین اقناع کنند می‌توانند انتظار مشارکت حداکثری از مردم داشته باشند. البته با توجه به اینکه انتخابات پدیده‌ای سیاسی محسوب می‌شود، اما پاسخ‌گویی مسئولان صرفاً محدود به مسائل سیاسی نیست. بلکه حوزه‌ای بسیار وسیع‌تر و گسترده‌تری از مسائل سیاسی را شامل می‌شود. دایره پاسخ‌گویی مسئولان، منطبق با دایره کلیه وظایف و اختیاراتی است که آنان برعهده دارند، بنابراین مسئولان پاسخ‌گو و به‌عبارت بهتر نظام سیاسی پاسخ‌گو نظامی است که علاوه بر مسائل سیاسی نسبت به مسائل فرهنگی، آموزشی، پژوهشی، صنعتی، تجاری، نظامی، معیشتی، رفاهی و ... پاسخ‌گو باشد. این پاسخ‌گویی زمانی ارزش کارکردی خواهد داشت که افکار عمومی را منتهای توسل به ابزارهای تبلیغاتی، شانتاژ، بهانه‌جویی‌ها، مقصر جلوه دادن رقیبان، سنگ‌اندازی‌های مخالفان و ... اقناع کند. مسئولانی که تلاش می‌کنند سوء مدیریت خود را با توسل به ابزارها و روش‌های فوق توجیه کنند، در واقع از پاسخ‌دهی به رفتارهای خود در زمان تصدیگری پست‌های مختلف حکومتی طفره می‌روند. افکار عمومی نیز شاید به‌صورت محدود و سطحی و در کوتاه‌مدت تحت تأثیر این روش‌ها قرار بگیرد اما در بلندمدت این روش‌ها را مترادف با بی‌پاسخ ماندن نیازها و تقاضاهای خود می‌داند و به‌صورت طبیعی مشارکت خود را محدود می‌سازد و این محدودیت مشارکت در حد عدم حضور در جریان انتخابات و پای صندوق‌های رأی نیز باقی نمی‌ماند بلکه در شرایط



حادثه‌تر می‌تواند خود را به شکل مخالفت‌های آشکار و پنهان با قوانین و تصمیمات صادر شده از نظام سیاسی بروز دهد و این باعث ایجاد بحران مشارکت در ساخت سیاست می‌شود. تداوم این وضعیت در بلندمدت و عدم اهتمام مسئولان برای رفع آن باعث بحران کارآمدی نظام می‌شود. هر بحرانی که نظام سیاسی را تهدید کند اگر به شیوه مطلوب مدیریت و رفع نشود می‌تواند به وجود آورنده سایر بحران‌ها شود. استمرار ایجاد بحران‌ها، نظام‌های سیاسی را برای کنترل وضعیت موجود و ایجاد ثبات در آن دچار هزینه‌های سنگین مادی و معنوی می‌کند. نهادینه شدن فرهنگ پاسخ‌گویی در میان مسئولان علاوه بر اینکه به لحاظ کمی باعث افزایش مشارکت مردم می‌شود به لحاظ کیفی نیز ارتقا می‌یابد. کیفی بودن مشارکت‌های اجتماعی - سیاسی مردم وابسته به سه عامل آگاهی، خودجوشی و سازمان‌یافتگی است. یکی از مشکلاتی که جوامع توسعه نیافته با آن مواجه هستند این است که آن جوامع ماهیتی بی‌شکل و بی‌نظم دارند و حکومت‌ها با توده‌های عظیمی از مردم مواجه هستند که شناسایی نیازهای آنان بسیار دشوار است و به تبع آن برنامه‌ریزی‌ها و تصمیمات نظام‌های سیاسی نیز نمی‌تواند منطبق با نیازهای واقعی آحاد ملت باشد. در حالی که تقسیم شدن جامعه براساس نیازمندی‌های مشترک، باعث می‌شود که حکومت‌ها بتوانند اولاً آن نیازمندی‌ها را شناسایی و ثانیاً بتوانند با اولویت‌بندی کردن نیازها به رفع آنها همت گمارند. در این رویکرد، پاسخ‌گو بودن مسئولان به صورت عملی مورد سنجش قرار می‌گیرد و معیار پاسخ‌گویی «رفع نیازمندی‌های جامعه» است. فلسفه وجودی گروه‌های جامعه مدنی یا سازمان‌های مردم‌نهاد، انجمن‌ها، اتحادیه‌ها، اصناف و احزاب سیاسی ناشی از این واقعیت می‌باشد که جامعه پدیده‌ای متکثر است



و در آن افراد و گروه‌های مختلف با نیازمندی‌های گوناگون زیست می‌کنند. هر چند برای تقسیم‌بندی گروه‌های اجتماعی عوامل دیگری نیز مطرح شده است اما در رابطه متقابل جامعه و حکومت آنچه که مبنای تقسیم‌بندی گروه‌های اجتماعی قرار می‌گیرد وجود نیازهای مشترک است. ترکیب وجود نیازهای مشترک با تعدد و تکثر گروه‌های اجتماعی، حکومت‌ها را با طیف وسیعی از نیازها، تقاضاها و مطالباتی مواجه می‌کند که کارآمدی حکومت‌ها بر مبنای میزان پاسخ‌گویی عملی به آن نیازها و تقاضاها سنجیده می‌شود. همان‌طور که گفته شد سازمان‌یافتگی ساخت متکثر جامعه در قالب گروه‌های مختلف براساس دو عنصر آگاهی و خودجوشی باعث افزایش قابلیت نظام برای رفع نیازها و تقاضاهای اجتماعی می‌شود و براساس تعریفی که برای «پاسخ‌گویی» عنوان شد افزایش قابلیت نظام برای رفع نیازهای اجتماعی مترادف با پاسخ‌گو شدن ساخت نظام سیاسی است. مفاهیم و پدیده‌های سیاسی به شدت به یکدیگر وابسته هستند و نمی‌توان یک عامل را بدون در نظر گرفتن عوامل دیگر مورد مطالعه قرار داد و همواره ایجاد یک وضعیت، وضعیت‌های مشابه دیگری را نیز ایجاد می‌کند. به همین جهت است که بین مشارکت و پاسخ‌گویی رابطه متقابل و دیالکتیکی برقرار است و به عبارتی همدیگر را بازتولید می‌کنند، یعنی مشارکت باعث افزایش پاسخ‌گویی مسئولان و افزایش پاسخ‌گویی مسئولان باعث مشارکت حداکثری مردم در حیات سیاسی می‌شود.



اقتضائات دولت در دوران مدرن و مطالبات و تقاضاهای اجتماعی شهروندان در تمامی حوزه‌ها و سطوح سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، «پاسخ‌گویی دولت» و دولتمردان را ناگزیر کرده است. این التزام از سویی ناشی از شرایط زمانی و مکانی و از سوی دیگر ناشی از پایداری حکومت جمهوری اسلامی ایران به اصول و ارزش‌های دینی همچون اصل نظارت همگانی، نصیحت ائمه مسلمین، امر به معروف و نهی از منکر و ... است. چنین التزامی اندیشمندان و مسئولان سیاسی کشور را بر آن داشته است تا نسبت به عنصر «پاسخ‌گویی» و «کارآمدی» نظام جمهوری اسلامی ایران تأکید فراوانی داشته باشند. به تبع در مسیر هر هدفی در حیات اجتماعی-سیاسی موانعی وجود دارد. در مسیر نهادینه شدن فرهنگ پاسخ‌گویی در ساختار دولت و مسئولان نسبت به جامعه نیز موانعی وجود دارد که باید آن موانع مورد شناسایی و حذف قرار بگیرد. بعد از شناخت و حذف موانع پاسخ‌گویی، می‌توان به بررسی موضوعاتی مانند الگوی مطلوب پاسخ‌گویی در بدنه دولت و الگوی هزینه-فایده پاسخ‌گو شدن دولت، سیاست‌ها و برنامه‌های آن پرداخت.

در بحث از اندیشه پاسخ‌گویی باید به چهار سؤال پاسخ داد: چرا دولت باید پاسخ‌گو باشد؟ حیطه پاسخ‌گویی تا کجاست؟ چه نهادها و مقاماتی پاسخ‌گو هستند؟ و پاسخ‌گویی باید به چه نهادها و کسانی صورت بگیرد؟ با پاسخ به هر یک از سؤالات چهارگانه بخشی از اندیشه پاسخ‌گویی تبیین می‌شود.

الف) چرا پاسخ‌گویی: ساختار دولت‌های مدرن بر مبنای حاکمیت مردم شکل می‌گیرند. ساختار اکثر کشورهای موجود در دوران مدرن را «نظام‌های جمهوری»



شکل داده است که در چارچوب آن تلاش می‌کنند با روش‌های دموکراتیک و بر مبنای ایدئولوژی‌ها و نظام‌های ارزشی خاص به تدبیر امور جامعه بپردازند. به همین دلیل دولت و دولتمردان در واقع نوعی نماینده و منتخب مردم محسوب می‌شوند. دولت‌های جدید مشروعیت خویش را از مردم اخذ می‌کنند. در دولت‌های مدرن به دو معنا مردم دارای حقوق سیاسی هستند حقوقی که دولت‌ها را نسبت به آنان موظف به پاسخ‌گویی می‌کند. اول به این معنا که آنچه مردم می‌خواهند به حقیقت نزدیک‌تر از چیزی است که یک گروه یا فرد خاص می‌خواهد و دوم به این معنا که آنچه مردم از طریق روش‌های عقلانی و تجربی درخواست می‌کنند، حقیقتی است که در حوزه سیاست از طریق سازوکارهای مشارکتی کسب می‌شود. در این نظریه مردم حق قضاوت در باب رفتار رهبران و مدیران سیاسی را دارند و از همین جهت آنان باید پاسخ‌گو باشند. تبلور این حق از طریق «انتخابات» بروز و ظهور می‌یابد.

ب) حیطه پاسخ‌گویی: دولت‌های مدرن از حیث دایره وضع و اجرای قوانین، مطلقه هستند. به این معنا که حیطه اختیارات آن به امور خاصی در جامعه محدود نمی‌شود. به همین ترتیب حیطه مسئولیت آن نیز محدود نیست و نمی‌توانند برخی از امور را که به حقوق عمومی و منافع عمومی مربوط می‌شود را از دایره مسئولیت خویش بیرون بدانند. از این جهت شهروندان می‌توانند در همه حیطه‌های عمومی، دولت را مورد سؤال قرار دهند و مسئولان نیز موظف به پاسخ‌گویی هستند.

ج) پاسخ‌گویان: همه اجزای دولت باید پاسخ‌گو باشند. بدین ترتیب هر نهادی که از بودجه دولتی و عمومی استفاده می‌کند و در حیطه مسائل عمومی به تصمیم‌گیری و اجرا می‌پردازد باید پاسخ‌گو باشد. رئیس‌جمهور، وزراء، مدیران کل، استانداران،



فرمانداران، بخشداران و نهادهایی که تحت کنترل و اداره آنان هستند در چارچوب وظایف و اختیاراتی که قانون به آنها محول کرده است باید در قبال پرسش‌ها و تقاضاهای مردم پاسخ‌گو باشند.

د) پرسشگران

شهروندان: اصل ۸ قانون اساسی با استناد به آموزه‌های اسلامی، امر به معروف نهی از منکر را یک وظیفه همگانی می‌داند. حاکمان جامعه نیز مشمول این وظیفه عمومی هستند و جایگاه ایشان در جامعه موجب نمی‌شود که شهروندان نتوانند به آنان امرونی کنند. هر شهروندی حق دارد مسئولان کشور را مورد سؤال قرار دهد و همه مسئولان باید نسبت به سؤالات و مطالبات و خواسته‌های همه شهروندان پاسخ‌گو باشند. شهروندان نه فقط در حیطه استیفای حقوق خود، بلکه در همه امور می‌توانند مسئولان را مورد سؤال قرار دهند و مکانیسم اداره کشور باید به گونه‌ای باشد که پس از مطرح کردن سؤال هیچ مخاطره‌ای برای شهروندان به وجود نیاید و همه این حق خود را با امنیت و بدون پیامدهای منفی دنبال کنند. اصل ۹۰ قانون اساسی نیز ناظر به نهادینه شدن حق پرسشگری شهروندان است. بنا به این اصل، مجلس باید مسئولیت پیگیری سؤالات و شکایت‌های شهروندان از سه قوه را بر عهده بگیرد و سؤال و شکایات مزبور را تا به انتها یعنی گرفتن پاسخ از قوای دیگر دنبال کند.

احزاب و تشکل‌ها: طبق اصل ۲۶ قانون اساسی احزاب، جمعیت‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده آزادند، مشروط به اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. انواع تشکل‌ها اعم از صنفی، حرفه‌ای، سیاسی و غیره به‌عنوان اشخاص



حقوقی حق دارند همه اجزای دولت را مورد سؤال قرار دهند. آزادی احزاب و گروه‌های سیاسی امروزه به‌عنوان یکی از حقوق مردم در حکومت‌های جمهوری و مردم‌سالار پذیرفته شده است. احزاب به دلیل انسجام درونی، داشتن اطلاعات کافی و تخصصی و تلاش برای کسب قدرت سیاسی و منوط بودن آن به آرای مردم نقش بسزایی در تعدیل قدرت بازی می‌کنند. سؤالات تشکل‌ها از این جهت دارای اهمیت است که جمع زیادی از شهروندان را نمایندگی می‌کنند و فشار بیشتری بر مسئولان جهت پاسخ‌گویی اعمال می‌کنند. همچنین پرسش تشکل‌ها به دلیل تأثیر قابل توجه و روشن بر افکار عمومی در شرایطی که مردم از طریق انتخابات، مدیران و نمایندگان خود را انتخاب کنند بدون پاسخ نمی‌ماند.

مطبوعات و رسانه‌ها عمومی: مطبوعات که امروزه به‌عنوان رکن چهارم آزادی و دموکراسی مطرح هستند نقش منحصر به فردی را در تعدیل قدرت ایفا خواهند کرد. لذا در اصل ۲۴ قانون اساسی نشریات و مطبوعات در بیان مطالب خود آزاد عنوان شده‌اند، مگر آنکه آن مطالب محل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد. البته امروزه این امر مهم از حد مطبوعات فراتر رفته است و از طریق رادیو و تلویزیون و شبکه‌های اطلاع‌رسانی به صورت مؤثر پیگیری می‌شود و در شفاف‌سازی روابط قدرت بسیار اثربخش بوده است. به گونه‌ای که در اصل ۱۷۵ عنوان می‌شود که «در صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران آزادی و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور باید تأمین گردد». یکی از کارکردهای رسانه‌ها واسطه بودن میان دولت و شهروندان است. رسانه‌ها علاوه بر آنکه می‌توانند سؤالات شهروندان را به دولت انتقال دهند، خود نیز می‌توانند پرسشگر باشند. رسانه‌ها به این معنی نمایندگان



افکار عمومی هستند.

مجلس شورای اسلامی: قوه مقننه یکی از نهادهایی است که با اختیارات قانونی خود می‌تواند فرهنگ پاسخ‌گویی را میان مسئولان نظام سیاسی نهادینه کند. عمده‌ترین وظیفه مجلس شورای اسلامی، قانون‌گذاری است و این اختیار طبق اصل ۷۶ قانون اساسی در تمام مسائل کشور جاری است. بنابراین اصلی‌ترین ابزار مجلس برای پاسخ‌گویی از مسئولان «قانون‌گذاری» است. علاوه‌بر این طبق اصل ۸۴، مجلس شورای اسلامی حق تحقیق و تفحص در تمام امور کشور را دارد. اگر چه این حق از ضمانت اجرایی قابل قبولی برخوردار نیست، اما ارسال نتیجه آن به دادگاه صالحه، اعلام آن از تریبون عمومی مجلس و اطلاع افکار عمومی از آن بر قدرت دستگاه مورد تحقیق اثر می‌گذارد همچنین طبق اصل ۸۴ هر نماینده در برابر تمام ملت مسئول است و حق دارد در همه مسائل داخلی و خارجی کشور اظهار نظر کند. این حق در ترکیب با اصل مصونیت نمایندگان مجلس در مقام ایفای وظایف نمایندگی، خود مکانیسم قدرتمندی برای وضع قوانین و نظارت بر حسن اجرای آن و همچنین پاسخ‌گویی از مسئولان است. به دلایل ذیل مجلس بیشترین اشراف را بر قوه مجریه دارد:

- رئیس‌جمهور برای هیئت وزیران پس از تشکیل و پیش از هر اقدام دیگر باید از مجلس رأی اعتماد بگیرد (اصل ۸۷).

- نمایندگان مجلس شورای اسلامی می‌توانند در مواردی که لازم می‌دانند هیئت وزیران، یا هر یک از وزرا را استیضاح کنند ... اگر مجلس رأی اعتماد نداد هیئت وزیران یا وزیر مورد استیضاح عزل می‌شود (اصل ۸۹).

- نمایندگان مجلس می‌توانند به عدم کفایت رئیس‌جمهور رأی دهند (اصل ۸۹).



- مجلس موظف است به شکایاتی که از طرز کار قوه مجریه می‌شود رسیدگی کند و از آنان پاسخ کافی بخواهد و نتیجه را به شاکی یا عموم مردم اطلاع دهد (اصل ۹۰).
- هر یک از وزیران، مسئول وظایف خاص خویش در برابر مجلس است (اصل ۱۲۷).
- رئیس‌جمهور در برابر مجلس مسئول اقدامات هیئت وزیران است (اصل ۱۳۴).
- رئیس‌جمهور، در حدود اختیارات و وظایفی که به موجب قانون اساسی یا قوانین عادی به عهده دارد در برابر مجلس شورای اسلامی مسئول است (اصل ۱۲۲).
- دیوان محاسبات که زیر نظر مجلس می‌باشد به کلیه حساب‌های دستگاه‌های دولتی رسیدگی و حسابرسی می‌کند که هیچ هزینه‌ای از اعتبارات مصوب تجاوز نکرده و هر وجهی در محل خود به مصرف رسیده باشد (اصل ۵۵).

درخصوص قوه قضائیه نیز مجلس می‌تواند از طریق قانون‌گذاری، تحقیق و تفحص، اظهار نظر نمایندگان و دیوان محاسبات اثرگذار باشد. علاوه‌بر این، از طریق کمیسیون اصل نود به شکایتهایی که از طرز کار قوه قضائیه می‌شود رسیدگی و از آنان پاسخ کافی طلب می‌کند و با اعلام عمومی بر عملکرد این قوه تأثیر می‌گذارد.

قوه قضائیه: این قوه با استناد به اصول ذیل از قدرت نظارتی بالایی نسبت به مسئولان اجرایی کشور برخوردار است و می‌تواند با تکیه به این اصول مسئولان اجرایی را در مقابل عملکردهای خود پاسخ‌گو کند.

- دیوان عالی کشور می‌تواند حکم به تخلف رئیس‌جمهور از وظایف قانونی نماید (اصل ۱۱۰).

- رسیدگی به اتهام رئیس‌جمهور و معاونان او و وزیران در مورد جرائم عادی با اطلاع مجلس شورای اسلامی در دادگاه‌های عمومی دادگستری است (اصل ۱۴۰).



- قوه قضائیه مسئول نظارت بر حسن اجرای قوانین است و براساس این حق، سازمان بازرسی کل کشور زیر نظر رئیس قوه قضائیه مسئول نظارت بر دستگاه‌های دولتی است (اصول ۱۵۶ و ۱۷۴).

- دیوان عدالت اداری که زیر نظر قوه قضائیه است به شکایت‌ها و اعتراض‌های مردم نسبت به مأمورین، واحدها و آیین‌نامه‌های دولتی رسیدگی می‌کند (اصل ۱۷۳).

- دارایی رئیس‌جمهور، معاونان او و وزیران و همسر و فرزندان آنان قبل و بعد از خدمت توسط رئیس قوه قضائیه رسیدگی می‌شود که بر خلاف حق افزایش نیافته باشد (اصل ۱۴۲).

اجتماعات مردمی: یکی از راه‌های مؤثر برای اعتراض، احقاق حق، جلوگیری از تصمیمات نابجای حکومت و پاسخ‌طلبی از مسئولان تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌های مردمی است که مطابق اصل ۲۷ قانون اساسی «بدون حمل سلاح به شرط آنکه مخل به مبانی اسلام نباشد آزاد است». احزاب، مطبوعات و اجتماعات سیاسی به همان میزان که در اصلاح قدرت مفید هستند، به همان مقدار برای کانون‌های قدرت و صاحبان مکتب خطرناکند. به همین خاطر ممکن است کسانی درصدد برآیند احزاب، مطبوعات و اجتماعات سیاسی را به عناوین مختلف حتی با استفاده از ابزار قانون، محدود و یا از صحنه خارج نمایند. اصل ۱۶۸ قانون اساسی برای پیشگیری از این امر «رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی» را «علنی» و «با حضور هیئت منصفه در محاکم دادگستری» اعلام کرده و از این طریق ضریب اطمینان در محاکمات سیاسی را بالا برده است.

موارد فوق عواملی هستند که مسئولان نظام سیاسی و مدیریتی جامعه را در قبال



عملکردهای خود پاسخ‌گو اعلام می‌کند. التزام نظری و عملی به قانون اساسی یکی از راه‌های نهادینه شدن فرهنگ پاسخ‌گویی و قانون‌مداری است. رعایت این التزام باعث بسط این فرهنگ به حوزه جامعه و آحاد مردم می‌شود و متعاقب آن هزینه‌های مادی و معنوی قانون‌گریزی و بی‌پاسخ ماندن تقاضاهای اجتماعی کاهش می‌یابد.

اخلاق سیاسی و پاسخ‌گویی مسئولان

با توجه به اهمیت انتخابات ریاست جمهوری و نقشی که این ارگان در مدیریت جامعه در تمامی سطوح و زمینه‌ها دارد این مقاله مبحث پاسخ‌گویی مسئولان را متمرکز بر عملکرد قوه مجریه به‌عنوان نهادی که موظف به اجرایی کردن قوانین می‌باشد کرده است. در مباحث پیشین با استناد به قانون اساسی، عواملی که باعث ایجاد و افزایش پاسخ‌گویی در مسئولان می‌شود عنوان شد و اگر به‌درستی از ظرفیت‌ها و قابلیت‌های قانون اساسی بهره‌برداری شود و از سوی مسئولان و مردم نگاه متعهدانه به آن صورت گیرد نهادینه شدن فرهنگ پاسخ‌گویی می‌تواند برکات بسیاری برای نظام جمهوری اسلامی ایران به همراه داشته باشد که مهم‌ترین آن افزایش مشارکت حداکثری مردم در فعالیت‌های اجتماعی-سیاسی و حمایت‌های آنان از نظام در مواقع بروز بحران‌هاست.

در کنار عامل قانون، عامل اخلاق سیاسی نیز نقش بسیار مهمی در سلامت، پویایی و نشاط حیات سیاسی یک جامعه ایفا می‌کند. همان‌طور که در ساختار جمهوری اسلامی ایران طبق اصل سوم قانون اساسی «کلیه قوانین و مقررات مدنی،



جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید براساس موازین اسلامی باشد»، عملکرد مسئولان آنجایی که قانون به آن تصریحی ندارد باید منطبق با ارزش‌ها و اخلاق اسلامی باشد. هر چند وجود ساختارهای قانونی جهت پاسخگو بودن مسئولان در قبال عملکردهای خود دارای اهمیت غیرقابل انکاری است ولی نمی‌توان از تأثیر عنصر اخلاق سیاسی در اعتماد کردن مردم به مسئولان غفلت کرد. نقش اعتمادآفرینی اخلاق به مراتب بیشتر از قوانین است و اصولاً قوانین هنگامی از سوی مردم مورد پذیرش و التزام عملی قرار می‌گیرد که مردم نسبت به واضعان و مجریان آن اعتماد داشته باشند و این اعتماد وابسته به میزان وسعت و عمق تعهدات عملی مسئولان و فعالان سیاسی به اصول اخلاقی است. اصول اخلاق سیاسی، اخلاق انتخاباتی، اخلاق شهروندی و ... با اخلاق عمومی تفاوتی ندارد. طبق ایده مطلق بودن ارزش‌های اخلاقی در اندیشه اسلامی پسوندهای سیاسی، انتخاباتی، شهروندی و غیره ماهیت اخلاق را دگرگون نمی‌کند، بلکه این پسوندها صرفاً آن بخش از اصول اخلاقی را که در این حوزه‌ها کاربرد بیشتری دارند مورد توجه قرار می‌دهد. نکته‌ای که قبل از برشمردن موارد مربوط به اخلاق سیاسی باید به آن اشاره شود این است که مسئولیت مسئولان سیاسی صرفاً از زمان برعهده گرفتن تصدیگری پست‌های مدیریتی جامعه آغاز نمی‌شود. مسئولیت آنان از زمانی که خارج از ساختار قدرت سیاسی قرار دارند و تلاش می‌کنند در جریان انتخابات آرای مردم را به سمت خود جلب نمایند شروع می‌شود، بنابراین شکل عملکردی آنان می‌تواند در چگونگی کنش سیاسی مردم تأثیر مستقیمی داشته باشد. با توجه به این مطلب کوتاه به مهم‌ترین عوامل اخلاقی که باعث ایجاد نشاط سیاسی و مشارکت حداکثری مردم و بسط و



تعمیق فرهنگ پاسخ‌گویی می‌شود اشاره می‌گردد:

۱. پرهیز از ایجاد فضای بدبینی: بسیاری از فعالان سیاسی که خارج از ساختار قدرت به سر می‌برند برای اینکه بتوانند در جریان انتخابات آرای عمومی را به دست آورند مشکلات موجود جامعه را در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بزرگتر و سیاه‌تر از آنچه که هست نشان می‌دهند و با این ترفند تلاش می‌کنند تا این فکر را در ذهن مخاطبان و افکار عمومی القا کنند که در صورت موفقیت آنان در انتخابات و تصدیگری پست‌های مدیریتی این مشکلات مرتفع خواهد شد. چنین عملکردی باعث ایجاد فضای بدبینی نسبت به مسئولان و مدیران فعلی می‌شود که البته فقط در حد آنان نیز باقی نمی‌ماند بلکه رواج تفکر بدبینانه در صورتی که آن فعالان سیاسی بتوانند آرای عمومی را کسب کنند دامنگیر آنها هم خواهد شد و البته این در وضعیت خوش‌بینانه است، زیرا وجود فضای بدبینانه نسبت به فعالیت‌ها، فعالان و مسئولان سیاسی میزان مشارکت مردم را کاهش می‌دهد و این کاهش از این جهت است که مشارکت زمانی معقولیت دارد که مؤثر باشد و مؤثر بودن آن نیز وابسته به رفع نیازمندی‌ها و تقاضاهای مردم از سوی مسئولان است. در حالی که اگر مردم تحت تأثیر تبلیغات فعالان سیاسی به این نتیجه برسند که نه تنها مشکلات مردم حل نمی‌شود، بلکه بر میزان آن افزوده می‌گردد، دلیلی برای مشارکت و حمایت از نظام سیاسی ندارند. مشکل دوم، افزایش انتظارات و توقعات جامعه است. در صورتی که فعالان سیاسی بتوانند از مشکل اول عبور کنند باید خود را برای پاسخ‌گویی به انتظارات و توقعات افزایش‌یافته مردم که در اثر تبلیغات آنان صورت گرفته است آماده کنند. هرگونه خلل در پاسخ‌گویی متناسب با آن انتظارات می‌تواند کارآمدی



نظام و مشارکت مردم را کاهش دهد. از طرف دیگر بعضی از مسئولان، بعد از به عهده گرفتن تصدی پست‌های مدیریتی برای توجیه بی‌سامانی‌ها و بی‌برنامه بودن‌های خود به دنبال مقصر می‌گردند و عمدتاً دیواری کوتاه‌تر از دیوار دولت‌های قبلی پیدا نمی‌کنند و در واقع با فراقنی مشکلات و ضعف‌های خود تلاش می‌کنند، از سویی وضعیت نامطلوب مدیریتی خود را توجیه کنند و از سوی دیگر از زیر بار پاسخ‌گویی شانه خالی کنند. رفع این مشکل به این طریق است که قانون‌گذار فعالان و مسئولان سیاسی را موظف کند تا در قبال ادعاهای خود سند و مدرک ارائه کنند. بدین نحو عقلانیت سیاسی که بخش‌هایی از آن پاسخ‌گویی مسئولان و مدیران جامعه، واقع‌بینی مسئولان و مردم و احترام گذاشتن به خدمات و فعالیت‌های مثبت دیگران می‌باشد شکل می‌گیرد و گسترش می‌یابد.

۲. **ملی‌اندیشی:** همان‌طور که در قسمت اهمیت انتخابات گفته شد، انتخابات ریاست جمهوری در مقایسه با سایر انتخابات از اهمیت بیشتری برخوردار است. به‌گونه‌ای که نهاد ریاست جمهوری در رأس قوه مجریه می‌تواند سبیل وحدت ملی و یا گسست ملی باشد. به همین جهت است که تفکر غالب در انتخابات ریاست جمهوری هم از سوی کسانی که انتخاب می‌کنند و هم از سوی کسانی که انتخاب می‌شوند باید تفکری ملی‌گرا باشد، یعنی فراتر از گرایش‌های فردی، حزبی، گروهی و جناحی شکل بگیرد. در بعضی از رقابت‌های انتخاباتی، کاندیداهای ریاست جمهوری و فعالان و هواداران آنان به‌گونه‌ای تبلیغات خود را در شکل‌های گوناگون اعم از سخنرانی، مناظره، فیلم‌سازی‌ها، شعارها و ... جهت‌دهی می‌کنند که در آن مبارزات و اختلافات میان حزبی و پیروزی بر یکدیگر بیشتر از منافع و مصالح ملی اهمیت و اولویت می‌یابد



و حتی در سطح مسئولان و مدیران نیز، گروه‌گرایی و حزب‌گرایی در تدوین برنامه‌ها و گزینش مدیران سطوح میانی و پایه مشاهده می‌شود به‌گونه‌ای که در افکار عمومی مردم تغییر و تحول گسترده مدیران میانی و پایه بعد از جابه‌جایی ریاست جمهوری و مدیران سطوح عالی به یک امر عادی بدل شده است. ایجاد تغییرات وسیع در سطح مدیران، همواره خطر شائبه گروه‌گرایی و فدا کردن منافع و مصالح ملی در راستای تأمین منافع گروه، حزب و جناح به قدرت رسیده را در اذهان عمومی ایجاد می‌کند و این امر باعث بی‌ثباتی از یک‌سو و سلیقه‌گرایی از سوی دیگر می‌شود. به تبع بی‌ثباتی و سلیقه‌گرایی مدیران، اعتماد مردم نیز نسبت به برنامه‌های آنان در جهت رفع مشکلات خود کاهش می‌یابد و این وضعیت به‌خصوص در مورد اقلیت‌های نژادی، زبانی، قومی، مذهبی و ... بروز و ظهور بیشتری دارد. فقدان برنامه‌های مدون ملی برای فعالان سیاسی و کاندیداهای ریاست جمهوری معضلی است که قانون‌گذار برای رفع آن باید یکی از شروط کاندیداها را داشتن چنین برنامه‌هایی قرار دهد.

۳. **پرهیز از وعده‌های غیرمنطبق با واقعیت‌ها:** همه فعالان و مسئولان سیاسی به لحاظ عقلانی و اخلاقی موظف هستند که برای موفقیت در انتخابات و تداوم موقعیت خود در ساختار قدرت به هر وسیله‌ای متوسل نشوند. در اندیشه اسلامی وسیله هدف را مباح نمی‌کند. مباح دانستن هر وسیله‌ای برای رسیدن به اهداف سیاسی باعث بدبینی و بی‌اعتمادی مردم نسبت به کنشگران سیاسی خواهد شد، زیرا این امر که به‌خصوص در وعده‌های غیرمنطبق با واقعیت‌ها خود را بیشتر نشان می‌دهد احساس فریب‌خوردگی را در اذهان عمومی ایجاد می‌کند. ممکن است فعالان و مسئولان سیاسی در واقع قصد فریب دادن مردم را نداشته باشند، اما استدلالی که ذهن عمومی را به



سمت این حس سوق می‌دهد ناشی از یک امر واقعی است و آن عدم انطباق وعده‌های انتخاباتی و شعارهای مسئولان درخصوص رفع مشکلات مردم با چیزی است که در عالم واقعیت‌های اجتماعی اتفاق می‌افتد. مردم هنگامی که تغییرات محسوسی در وضعیت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خود مشاهده نمی‌کنند و حتی گاهی اوقات شرایط را بدتر از پیش ارزیابی می‌کنند دست به مقایسه وضعیت موجود و وعده‌های مسئولان می‌زنند و این عدم انطباق را به حساب فریب دادن مسئولان و فریب‌خوردگی خود می‌گذارند. هرگونه وعده، شعار و برنامه‌ریزی باید منطبق با توانمندی‌های بالقوه و بالفعل جامعه باشد. وعده‌هایی که خارج از این توانمندی‌ها ارائه شود باعث نوعی آرمان‌گرایی و به عبارتی بهتر خیال‌اندیش می‌شود که هزینه‌های مادی و معنوی فراوانی را هم بر مردم و هم بر نظام سیاسی تحمیل می‌کند.

۴. داشتن برنامه‌های مدون برای رفع مشکلات معیشتی: یکی از مشکلات و نواقصی که متوجه فعالان سیاسی به‌خصوص احزاب می‌باشد این است که غالب آنان فاقد برنامه‌های مدون ملی برای رفع مشکلات معیشتی مردم هستند. فقدان این برنامه‌ها را می‌توان در شعارهای تبلیغاتی قبل از پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری و سردرگمی عملی و اجرایی، بعد از پیروزی در انتخابات مشاهده کرد. عوامل بسیاری را می‌توان در ایجاد این امر مؤثر دانست. ولی یکی از مهم‌ترین آنها این است که بین نهادهای آموزشی- پژوهشی و به‌عبارتی نهادهای علمی با نهادهای سیاسی فاصله‌ای وجود دارد که از سویی باعث شده است که فعالیت‌های علمی در ساختار آموزشی و پژوهشی چندان ارتباطی با واقعیت‌های اجتماعی نداشته و در قالب مباحث تئوریک محبوس مانده باشد و از سوی دیگر نهادهای سیاسی و



تصمیم‌گیرندگان اقتصادی بدون التفات به مؤثر بودن مباحث تئوریک به تدوین و تصویب قوانین و برنامه‌های اقتصادی می‌پردازند که حاصل این امر در حوزه عمل، حرکت برمبنای «آزمون و خطا» است، پروسه‌ای که در سطح کلان مدیریت کشوری معقول و مطلوب نیست. ایجاد ارتباط بین نهادهای علمی و نهادهای تصمیم‌گیرنده سیاسی و اقتصادی امری ضروری است که می‌تواند تصمیمات و سیاست‌گذاری‌ها را با واقعیت‌های اجتماعی و با روش‌های علمی منطبق کند و میزان خطا بودن تصمیمات را به حداقل رساند.

۵. پرهیز از بی‌اخلاقی‌های سیاسی: به مصداق ضرب‌المثل عامیانه «حرمت امامزاده را باید متولی نگهدارد» فعالان سیاسی و مسئولان باید با رعایت اصول اخلاقی از بی‌اعتبار شدن خود و رقیبانشان در نزد افکار عمومی پرهیز کنند. بی‌اخلاقی‌های سیاسی عمدتاً در قالب تخریب، تهمت، توهین و تحقیر بروز پیدا می‌کند. نکته قابل توجه در این بی‌اخلاقی‌ها این است که فرد و گروه به‌کارگیرنده این بی‌حرمتی‌ها در قبال رقیبان خود، فقط به دیگری آسیب نمی‌رساند. از آنجایی که اصول اخلاقی طبق اندیشه‌های اسلامی ریشه در فطریات بشر دارد عموم مردم پیش و بیش از باور تهمت‌ها و توهین‌هایی که فرد و گروه تهمت‌زننده و توهین‌کننده به دیگران و رقیبان خود وارد می‌سازند این رفتارها را ناشی از ضعف و زبونی آنان تلقی می‌کنند. علاوه بر این رواج این بی‌اخلاقی‌ها به‌خصوص تهمت‌هایی که افراد و گروه‌ها به یکدیگر نسبت می‌دهند ممکن است اذهان عمومی را درباره عملکرد مسئولان و فعالان سیاسی و همچنین ساختار کلی نظام سیاسی بدبین کند. بین چهار صفت ضداخلاقی متداول در فعالیت‌های سیاسی «تخریب» جایگاه خاصی دارد، زیرا



عمدتاً بعضی از فعالان سیاسی از این حربه استفاده می‌کنند و برای موجه جلوه دادن آن چنین رفتاری را «انتقاد» نام‌گذاری می‌کنند. تبیین دقیق مفاهیم انتقاد و تخریب و افزودن آن به آگاهی‌های سیاسی و عمومی مردم می‌تواند نقش سوء تخریب‌کنندگان را در جامعه سیاسی به حداقل برساند.

۶. **پرهیز از تبلیغات پرهزینه و اسراف‌گرایانه:** سال ۱۳۸۸ از سوی مقام معظم رهبری به‌عنوان سال اصلاح الگوی مصرف نام‌گذاری شده است. اصلاح الگوی مصرف فقط به یک بخش خاص از زندگی اجتماعی اشاره ندارد، بلکه همه ساحت‌ها و حوزه‌های زندگی فردی و اجتماعی را دربرمی‌گیرد و همه مردم و مسئولان در قبال آن موظف به تغییر در الگوهای مصرفی خود هستند. در انتخابات دوره‌های گذشته هزینه‌های بسیار زیادی از سوی کاندیداها و هواداران آنان صرف فعالیت‌های تبلیغاتی شد. بی‌توجهی به روند رو به رشد این هزینه‌ها و عدم ممانعت از آنان، فرهنگ غلط مصرف‌گرایی، اسراف و تبذیر را در جامعه رواج می‌دهد و این در حالی است که مسئولان باید در اصلاح الگوهای مصرف نسبت به مردم پیش قدم باشند. پرهزینه بودن فعالیت‌های سیاسی علاوه‌بر ترویج فرهنگ اسراف و مصرف‌گرایی این شائبه را در ذهن عموم مردم ایجاد می‌کند که کاندیداها و فعالان سیاسی برای تأمین منابع مالی هزینه‌های تبلیغاتی مدیون صاحبان ثروت و قدرت می‌شوند. دینی که بعد از پیروزی در انتخابات باید آن را به تأمین‌کنندگان منابع مالی به شکل‌های مختلف پرداخت کنند و این مساوی با افزایش تبعیض‌های اجتماعی، افزایش فقر فقیران و ثروت ثروتمندان و بی‌عدالتی اجتماعی است.

۷. **مبارزه با مفاسد اقتصادی:** گسترش مفاسد اقتصادی و سوءاستفاده از



ساختار اداری برای رسیدن به مطامع اقتصادی مفسدان، شرایط را به‌گونه‌ای بحرانی کرده بود که مقام معظم رهبری طی فرمان هشت ماده‌ای، کلیه مسئولان را موظف به رسیدگی و حذف این فساد در ساختار اداری و اقتصادی جامعه کردند. هرگونه امکان سوءاستفاده از امکانات و منابع دولتی و عمومی در راستای تأمین منافع فردی و گروهی، آحاد جامعه و به‌خصوص فعالان اقتصادی در حوزه‌های تولیدی و خدماتی را با سرخوردگی و بی‌اعتمادی مواجه می‌کند. فعالیت اقتصادی همانند فعالیت‌های سیاسی هنگامی می‌تواند پویا و سالم باشد که در بستر مطمئن و معتمدی صورت بگیرد. فعالیت اقتصادی در ساختاری که بعضی از افراد به‌راحتی می‌توانند در آن یک شبه ره صدساله را طی کنند غیرممکن است. به همین دلیل است که مبارزه با مفاسد اقتصادی و جدیت در مجازات مفسدان می‌توان فضای مطلوبی را برای فعالیت‌های اقتصادی فراهم کند. البته باید مبارزه با مفاسد و مفسدین اقتصادی مانند سایر مشکلات اجتماعی تبدیل به ابزار تبلیغاتی جهت تخریب مسئولان و جلب آرای عمومی نشود. مبارزه با مفاسد اقتصادی امروزه یکی از معیارهایی است که افکار عمومی جامعه با توسل به آن میزان مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی مسئولان را می‌سنجند، زیرا این پدیده فقط مختص به یک دستگاه و قوه خاص نیست. هر چند قوه قضائیه مسئول رسیدگی به این جرائم است، اما در نگاهی کلان‌تر می‌توان گفت همه سازمان‌ها و ارگان‌های دولتی و نهادهایی که از بودجه عمومی استفاده می‌کنند در این مبارزه سهیم هستند و در نزد افکار عمومی مورد آزمون قرار می‌گیرند.

۸. **عدم استفاده ابزاری از مشکلات جوانان:** سی سال از پیروزی انقلاب اسلامی

می‌گذرد و نسلی که در دوران انقلاب متولد شده‌اند، امروزه جوانانی را شامل



می‌شوند که دارای نیازها و تقاضاها و همچنین توانمندی‌های خاصی هستند. شناخت این نیازها و توانایی‌ها از مهم‌ترین مسئولیت‌های فعالان سیاسی محسوب می‌شود. شغل، ازدواج و مسکن سه مشکل عمده جوانان است که بعضی از گروه‌های سیاسی نسبت به این مشکلات نگاه ابزاری دارند. در شعارهای انتخاباتی، مشکلات جوانان جزء اولین مسائلی هستند که مطرح می‌شوند و بعد از پیروزی در انتخابات نیز جزء اولین مسائلی هستند که به دست فراموشی سپرده می‌شوند. دلسرد شدن نسل جوان از فعالیت‌های سیاسی، آسیب جدی به نظام سیاسی وارد می‌کند. جدی بودن این آسیب به این دلیل است که جوانان واجد توانمندی‌های بالفعل و بالقوه بسیاری هستند که می‌توان با مدیریت صحیح از آن توانمندی‌ها جهت رفع مشکلات اجتماعی استفاده کرد. بی‌رغبتی جوانان نسبت به فعالیت‌های سیاسی و در سطحی عمیق‌تر نسبت به نظام سیاسی باعث ائتلاف آن توانمندی‌ها و سوق یافتن آنها به فعالیت‌هایی خلاف مصالح و منافع ملی خواهد شد. نکته‌ای که در این خصوص قابل توضیح می‌باشد این است که بعضی از گروه‌های سیاسی تلاش می‌کنند با یارگیری از جوانان به‌ویژه دانشجویان فضای دانشگاه‌ها را به میدانی برای مبارزات و رقابت‌های سیاسی خود بدل کنند و این امر با فرمایشات مقام معظم رهبری که فرمودند دانشگاه باید سیاسی باشد در تنافی قرار دارد، زیرا منظور ایشان از سیاسی شدن دانشگاه و دانشجویان افزایش آگاهی‌های سیاسی و همچنین افزایش توانمندی‌های تحلیلی دانشجویان نسبت به مسائل سیاسی است نه تبدیل کردن محافل علمی و دانشگاهی به میدان رقابت‌های سیاسی. از نگاه ابزاری داشتن به دانشجویان و جوانان باید به‌شدت پرهیز شود و این پرهیز باید به‌گونه‌ای باشد که قانون‌گذار برای چنین رویکردی مجازات تعیین کند.



۹. توجه به اهداف سند چشم‌انداز بیست‌ساله: سند چشم‌انداز به‌عنوان یک سند بالادستی در حکم سیاست‌های کلی و برنامه‌های استراتژیکی است که وضعیت جمهوری اسلامی ایران را در سال ۱۴۰۴ ترسیم می‌کند. در این سند، وضعیت ایران در سال ۱۴۰۴ باید در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، نظامی و علمی به‌گونه‌ای ارتقا پیدا کند که بتواند در منطقه جغرافیایی آسیای جنوب غربی نسبت به سایر کشورها در رتبه اول قرار بگیرد. نگاهی که در سند چشم‌انداز نسبت به وضعیت مطلوب بیست سال آینده شده است جامع نیازهای مادی و معنوی جامعه است. به همین جهت، این سند در کنار سایر مسئولیت‌هایی که فعالان سیاسی و مدیران کشور دارند معیاری برای ارزیابی و پاسخ‌طلبی از عملکرد آنان محسوب می‌شود. کمی کردن اهداف سند و سنجش میزان پیشرفت و تحقق اهداف سند توسط دستگاه‌ها و نهادهای مختلف نظام امری است که باید کاندیداهای ریاست جمهوری و مدیران جامعه مد نظر داشته باشند. جدی گرفتن اهداف بلندمدت نظام جمهوری اسلامی باعث نوعی سامان‌یافتگی در فعالیت‌های کلیه نیروها و ارگان‌های نظام خواهد شد و از آنجایی که یکی از ثمرات این سامان‌یافتگی ارائه خدمات مستمر و کیفی‌تر به شهروندان است، شهروندان نیز احساس تعلق خاطر و حمایت بیشتری نسبت به نظام سیاسی و مسئولان آن خواهند داشت.

۱۰. احترام به نتایج انتخابات: یکی دیگر از مواردی که باعث برگزاری سالم و اخلاقی انتخابات می‌شود، پذیرش نتیجه انتخاباتی از سوی کاندیداهای ریاست جمهوری و هواداران آنان است. تخطئه فرایند برگزاری انتخابات و نتایج اتخاذ شده، افکار عمومی را نسبت به برگزارکنندگان انتخابات و حتی نفس انتخابات مشکوک و



بدین می‌کند و این بدبینی همان‌طور که در موارد پیشین اشاره شد خطرات جبران‌ناپذیری برای مسئولان و نظام سیاسی و همچنین خود ایجادکنندگان این فضا دارد. یکی از روش‌های نادرستی که در چند سال گذشته در بین فعالان سیاسی مرسوم شده این است که آنان جنجال‌ها و درگیری‌های سیاسی بین خود را متوجه موضوعات خاص‌تری می‌کنند و به جای اینکه آن موضوعات و اختلافات را از کانال‌های تعبیه شده در ساختار قضایی حل و فصل کنند از مطبوعات استفاده می‌کنند و بحث آزادی مطبوعات در بیان مطالب خود و همچنین تنویر افکار عمومی را دستاویزی قرار می‌دهند تا به وسیله آن بتوانند رقیب سیاسی خود را در نزد افکار عمومی تضعیف کنند. درخصوص امر انتخابات نیز وضعیت به همین منوال است. بعضاً مشاهده می‌شود افراد و گروه‌هایی که در جریان انتخابات موفق نمی‌شوند آرای عمومی را کسب کنند این امر را به حساب «تقلب» در انتخابات می‌گذارند و از طریق رسانه‌ها و مطبوعات که در اختیار دارند تلاش می‌کنند متقابلانه برگزار شدن انتخابات را به استحضار افکار عمومی برسانند. در حالی که مکانیسم‌های قانونی برای طرح شکایت‌های کاندیداها وجود دارد. از سوی دیگر این رفتار غیرمسئولانه نه تنها بر آگاهی‌های سیاسی مردم نمی‌افزاید بلکه اراده آنان را نسبت به شرکت در انتخابات بعدی متزلزل می‌کند. آزادی افراد، گروه‌ها و مطبوعات نباید به نحوی مورد استفاده قرار بگیرد که در آن اصول قانونی و ارزشی نظام مخدوش شود.



نتیجه‌گیری

اهمیت برگزاری انتخابات به‌ویژه انتخابات ریاست جمهوری را باید در تأثیری که بر روی افکار و فرهنگ سیاسی مردم می‌گذارد مورد ارزیابی قرار داد. فرهنگ سیاسی به چگونگی زیست جمعی در حوزه سیاست اطلاق می‌شود و دارای دو قسم وضعیت موجود و وضعیت مطلوب است. مطلوبیت فرهنگ سیاسی نیز مانند حوزه‌های دیگر براساس معیارهای عقلی، اخلاقی، رفع نیازهای مادی و معنوی و ایجاد شرایط مساعد برای بالفعل کردن توانمندی‌های بالقوه تعیین می‌شود. یکی از اجزای فرهنگ سیاسی «پاسخ‌گویی» و نقشی است که این عنصر در افزایش مشروعیت، مقبولیت و کارآمدی نظام و همچنین مشارکت مردم در فعالیت‌های اجتماعی - سیاسی دارد. در این مقاله تلاش شد تا ارتباط پاسخ‌گو بودن مسئولان و مشارکت‌طلبی مردم در حیات سیاسی نشان داده شود و به این نتیجه ختم شود که مسئولیت‌پذیری مسئولان در قالب پاسخ‌گویی عملی به مطالبات و تقاضاهای مردم نقشی مستقیم در افزایش مشارکت‌های مردمی در زندگی اجتماعی - سیاسی دارد. در کنار عوامل قانونی که مسئولان را در قبال عملکردها و تصمیمات خود پاسخ‌گو می‌کند، عوامل اخلاقی نیز نقش مؤثری در ایجاد فضای اعتماد میان مردم و مسئولان ایفا می‌کند و اهمیت این نقش از این جهت است که مکانیسم‌های قانونی زمانی تأثیرگذار هستند که در بستر اعتماد ناشی از رعایت اصول اخلاقی عمل کنند. امید است با رعایت اصول اخلاقی، قانونی و همت مسئولان پاسخ‌گو شرایط برای رشد و توسعه جامعه در تمامی زمینه‌ها بیشتر فراهم شود.



منابع و مأخذ

۱. بدیع، برتران. فرهنگ و سیاست، ترجمه احمد نقیب‌زاده، نشر دادگستر، تهران، ۱۳۷۶.
۲. بشیریه، حسین. جامعه‌شناسی سیاسی، نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی، نشر نی، تهران، ۱۳۷۴.
۳. بشیریه، حسین. موانع توسعه سیاسی در ایران، نشر گام نو، تهران، ۱۳۸۰.
۴. صبوری، منوچهر. بوروکراسی مدرن در ایران، نشر سخن، تهران، ۱۳۸۰.
۵. احمدی امیر و منوچهر پروین. ایران پس از انقلاب، ترجمه علی فرشیدزاده، مرکز بازشناسی اسلام و ایران، تهران، ۱۳۸۱.



شماره مسلسل: ۹۶۵۷

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: ارزیابی تأثیر پاسخ‌گویی مسئولان بر مشارکت سیاسی مردم در انتخابات

نام دفتر: مطالعات سیاسی (گروه سیاست داخلی)

تهیه و تدوین: امیر وحیدیان

ناظر علمی: ابوزر گوهری مقدم

متقاضی: قائم مقام مرکز پژوهش‌ها

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی و معادل انگلیسی آنها:

۱. انتخابات (Election)

۲. پاسخ‌گویی (Responsibility)

۳. مشارکت سیاسی (Political Participation)

تاریخ انتشار: ۱۳۸۸/۲/۲۲